



## تبیین تمایز موفقیت و دستاورد

**کلیدواژه‌ها:** دستاورد، موفقیت، یادگیری واقعی، اهمیت آموزش، یادگیری معنی‌دار

- «هیچ چیزی مانند حرمت نفس و اعتماد به نفس با خود دستاورد به همراه ندارند.»  
توماس کارلایل
- آیا «موفقیت» و «دستاورد» هر دو یکی هستند؟

### مقدمه

بسیاری از مردم این دو اصطلاح را به یک معنا می‌گیرند. دانش‌آموزی که نمرات بالایی می‌گیرد موفقیت به دست آورده است. گرفتن مدرک دکترا یا حتی پشت سر گذاشتن یک دوره یا مرحله را یک موفقیت می‌نامیم. اما به عقیده من باید میان این دو اصطلاح، تمایز قائل شویم. تمایزی که به نظر من باید با دقت به آن توجه کرد. این تمایز، تمایزی است میان فردی که فعالیتش فقط برای خودش سودمند است (یعنی موفقیت) در برابر

فردی که فعالیتش نه تنها برای خودش، بلکه برای دیگران نیز سودمند است (یعنی دستاورد).

فتح قله اورست برای مثال یک موفقیت است. صعود از یک کوه برای کسی جز خود صعود کننده فایده‌ای ندارد. ضمن این که گاهی بر اثر آن طبیعت اطراف نیز پراز زباله می‌شود و حتی گاهی مرگ همراهان کوهنورد را نیز به دنبال دارد. برنده شدن در یک مسابقه، موفقیت است. اما نوعاً فقط برای خود برنده سودمند می‌باشد.

در ارتباط با آموزش، گرفتن نمره خوب در امتحان یا گرفتن جایزه ویژه، موفقیت محسوب می‌شود. کسب مسئولیتی در مدرسه موفقیت است. در واقع، ما بیشتر از دانش‌آموزان انتظار داریم که آنان موفقیت بدست آورند. برای کسب موفقیت باید تلاش کرد، اغلب تلاشی بسیار زیاد و در صورت رسیدن به نتیجه خوب، باید از آن تلاش تقدیر کرد. ما باید برای موفقیت‌های دانش‌آموزان، معلمان و سایرین ارزش قائل شویم، اما این همه کار نیست.

## دستاورد

به باور من، دستاورد کاملاً با موفقیت فرق دارد. برنده شدن در مسابقه، یا گرفتن نمرات خوب یا صعود به قله کوه موفقیت هستند؛ اما دستاورد محسوب نمی‌شوند. زیرا انجام این کارها برای کسی جز خود فرد سودمند نیست. توصیه می‌کنم که واژه دستاورد را به کارهایی اختصاص دهیم که برای دیگران و جهان واقعی سودمندند. کمک برای یافتن راه درمان یک بیماری دستاورد است. بکارگیری درمان و به واسطه آن از بین بردن بیماری دستاوردی ارزشمندتر است. راه اندازی (یا مشارکت در راه‌اندازی) نشریه‌ای که تأثیرگذار باشد، دستاورد است. دایر کردن شرکتی موفق که فعالیت‌های سودمند دارد، یک دستاورد است. کمک به بهبود روابط همسایگی دستاورد است.

حتی بزرگترین موفقیت‌ها را نیز نمی‌توان لزوماً دستاورد نامید. به باور من نباید چنین توصیفی از آن‌ها کرد (علیرغم این واقعیت که اغلب در گفت‌وگوی معمول این کار را می‌کنیم). من معتقدم از واژه دستاورد برای کارهایی استفاده کنیم که به جهان یا بخشی از آن کمک می‌کنند. در واقع با کسب موفقیت است که به دستاوردی می‌رسیم.

ممکن است دانش‌آموزان موفقیت‌هایی بدست آورند، اما دستاوردشان اندک باشد. این بدان دلیل است که بخش کوچکی از آنچه که کودکان در مدرسه انجام می‌دهند در دنیای واقعی تأثیر می‌گذارد. اما فراموش نکنیم که دانش‌آموزان می‌توانند و باید به دستاوردهایی نیز برسند.

نوشتن گزارشی به وسیله کارمند که دولت بتواند (بجای مشاوره) که باید برایش پول پرداخت می‌کرد) از آن استفاده کند، یک دستاورد است. دستاوردی به مراتب مفیدتر از گرفتن نمره الف بر روی کاغذ (موفقیت فردی). آنچه که در بخش تجارب یک رزومه قرار می‌گیرد، دستاورد است. فارغ از مدرسه‌ای که رفته‌ایم یا نمره‌هایی که گرفته‌ایم و یا فعالیت‌های فوق برنامه‌ای که داشته‌ایم.

## دلیل اهمیت دادن به دستاورد در آموزش

چرا تمایز میان دستاورد و موفقیت در آموزش تا این حد مهم است؟ زیرا کسانی که در مدرسه موفقیت‌های بالایی کسب می‌کنند، اغلب دستاوردهای اندکی دارند. مطالعات بسیاری حاکی از آن است که گرفتن نمره خوب نشانگر موفقیت در زندگی آینده نیست. در عین حال، افراد زیادی هستند که دستاوردهای بسیاری به جهان هدیه داده‌اند اما به لحاظ تحصیلی هیچگاه



ما باید برای موفقیت‌ها و دستاوردهای دانش‌آموزان، معلمان و سایر عوامل انسانی درگیر در آموزش، ارزش قائل شویم

از موفقیت قابل قبولی در مدرسه برخوردار نبودند. وینستون چرچیل یکی از این افراد است.

به اعتقاد من آنچه که ما واقعاً از دانش‌آموزان باید بخواهیم دستاورد است نه فقط موفقیت. ما از آن‌ها می‌خواهیم که نه تنها تفاوت میان دستاورد و موفقیت را بشناسند و بفهمند که دستاورد، واقعا به چه معناست، بلکه مایلیم آن‌ها بارها و بارها در طی سال‌های تحصیلشان دستاوردهایی کسب کنند تا باور کنند که رسیدن به دستاورد در دنیای واقعی نیز امکان‌پذیر خواهد بود، و این که کسب این دستاوردها تا چه حد می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا احساس بهتری را تجربه کنند.

امروزه برخی از مدارس به عنوان بخش کوچکی از برنامه‌هایشان به پروژه‌های خدماتی یا پروژه کپ استون<sup>۴</sup> نیاز دارند. چنین پروژه‌هایی را می‌توان به کل برنامه آموزشی بسط داد. دانش‌آموزان باید تلاش کنند تا در مدارس به دستاوردهایی برسند و فقط به کسب موفقیت بسنده نکنند.

اگر مدرسه به جای اندازه‌گیری موفقیت دانش‌آموز (یعنی توجه به نمره و معدل بالا)، دستاوردهای او را نیز اندازه‌گیری کند، طرز تلقی دیگری از یادگیری دانش‌آموز و یاددهی معلم شکل خواهد گرفت. بنابراین باید با درایت، موفقیت را از دستاورد جدا کرد. تمایزات دیگری نیز در ارتباط با آموزش وجود دارد که بایستی در نظر گرفت از جمله تمایز میان «یادگیری» در مقابل «شدن»، «درس دادن» در مقابل «آموزش» و مواردی از این قبیل که در مقالات جداگانه‌ای به آن‌ها خواهیم پرداخت.

### \* پی‌نوشت‌ها

1. Mark Prensky
2. Achievement
3. Accomplishment
4. Capstone project

دوره‌ای است که دو ترم به طول می‌انجامد. در آن دانش‌آموزان به انتخاب خود روی موضوع یا مسئله‌ای تحقیق می‌کنند. در انتهای این تحقیقات که زیر نظر یک مربی انجام می‌شود به جمع‌بندی و شناخت جامعی از موضوع می‌رسند و دستاورد آن را برای استفاده دیگران در اختیار می‌گذارند.

### \* منبع

www.Marc Prensky.com